

ترتیب فرزند خود را در آغوش میگیرد

ترتیب قدیمی ترین شهر آلمان است با آثار تاریخی متعدد و مهمی مانند Porta Nigra از دوران تسلط رومیها. کارل هاینریش مارکس در پنجم ماه مه سال ۱۸۱۸ در چنین شهری چشم بدنیا گشود. در آنجا دوران دبیرستان را به پایان رسانده و در ۱۸۳۵ یعنی در سن هفده سالگی برای تحصیل در رشته ی حقوق عازم شهر بن می شود. پنجم ماه مه (دیروز شنبه) ۲۰۱۸ درست دویست سال از تولد این بزرگترین متفکر هزاره ی دوم می گذرد. از روز جمعه چهار مه تا امروز یکشنبه مراسمهای مختلف فرهنگی، سیاسی و هنری در سطح شهر برگزار شده که احتمالاً هنوز هم ادامه دارد. اوج این مراسمها، پرده برداری از مجسمه مشهورترین فرزند شهر در روز شنبه ی گذشته بود. به مناسبت دویستمین زاد روز کارل مارکس برجسته ترین تنورسین و نظریه پرداز اردوی کار، دولت چین طرح ساخت و اهداء مجسمه ی ایشان را به شورای شهر ترتیب داده می دهد. شورای مزبور ابتدا مخالفت خود را با این امر اعلام می دارد ولی بعداً طی بحث و جدلهای زیادی راضی به قبول پیشنهاد دولت چین میشود. طراح و سازنده ی این اثر آقای Wu Weishan می باشد که ایشان در عین حال مدیر موزه ی ملی چین نیز می باشد. آقای Weishan دیروز شخصاً در مراسم رونمایی از مجسمه ی مارکس حضور داشت؛ و طی گفتار پر شوری از چرایی الهام گیری از آموزه های مارکس به سخنرانی پرداخت. یک سخنران دیگری از چین طی بحث مبسوطی به دفاع از مارکسیسم پرداخته و پیشرفتهای روزافزون چین را نتیجه ی بهره گیری از اندیشه های مارکس دانسته و ضرورت مارکسیسم بر چین امروزی را مورد تاکید و تأیید فراوان خود قرار داد. پیکره ی مارکس از جنس برنز است، ارتفاع آن ۴/۴ متر و وزن آن ۲/۳ تن می باشد. ارتفاع مجسمه در اصل قرار بود ۶ متر باشد ولی آقای آندریاس لودویک (از حزب خانم مرکل) هنرمند چینی را مجاب به کاهش ارتفاع آن کرده است. گویا شک و تردیدهای در باره ی یک Mega Marx در سطح شهر زیادتیر شده است. برخی جریانها نظیر "اتحادیه قربانیان دیکتاتوری کمونیستی" و "جمعیت دفاع از خلقهای مورد تهدید" - بخاطر تعقیب و آزار مسیحیان در چین - مخالفت خود را با نصب مجسمه ی مارکس اعلام کرده بودند. این گروهها دیروز نیز به تعداد حداکثر سی تا چهل نفر در برخی مواقع با جار و جنجال سعی در اخلاص مراسم رونمایی از مجسمه ی مارکس داشتند. به هر حال دیروز مجسمه ی مارکس بر روی یک پایه ی ۱/۱ متری مونتاز و در میدان Simonenstiftplatz نزدیک Porta Migra (دروازه ی رومی و علامت مشخصه ی شهر) قرار داده شد و در میان شور و هلهله ی دوستارانش به طور رسمی از آن پرده برداری گردید. مجسمه، مارکس متفکری را با کتابی در دست نشان می دهد که با پای چپ در حال قدم برداشتن به جلو می باشد. تمامی قرائن و شواهد نشان می دهد که تقریباً سه دهه بعد از فروپاشی شوروی و حاکمیت لجام گسیخته ی سرمایه ی انحصاری مالی، مردم در سراسر جهان از نظام سلطه ی حاکم ناامید گشته و به دنبال آلترناتیوهای برای رهایی از قید و بند سرمایه و نجات آینده ی کره ی زمین می گردند. بنابراین من فکر می کنم که بازگشت مارکس به زادگاهش تنها یک بازگشت صوری و فیزیکی (در قالب مجسمه) نیست. روحیه ی مردم بعد از سه دهه شستشوی مغزی و دروغ و تزویر بی امان در حال تغییر است. مردم زحمتکش و کارگر بتدریج به قدرت لایزال خود پی می برند و در فکر تغییر وضع موجود هستند. در این شرایط چه آلترناتیوی بهتر از اندیشه های فیلسوف کارل هاینریش مارکس یعنی فلسفه ی تغییر جهان می تواند پاسخگوئی نیازهای فکری و مبارزاتی مردم باشد؟ در خاتمه باید یاد آوری کنم که سالانه حدوداً پنجاه هزار چینی برای دیدن خانه ی مارکس به شهر ترتیب مسافرت می کنند.

بدین سان کارل مارکس بعد از فراق طولانی مدت دوباره به زادگاه خویش باز گشته است. مردی که با اندیشه هایش طوفانها برانگیخته و موجد جنبشهای رهایی بخش فراوانی گردیده است، مارکس پس از ازدواج با جنی فون وستفالین در سال ۱۸۴۳ به پاریس می رود. در سال ۱۸۴۵ پلیس فرانسه ۲۴ ساعت به او برای خروج از فرانسه وقت می دهد. مارکس ناچاراً راهی بلژیک می شود و در ۲ فوریه وارد بروکسل می شود. در اواخر سال ۱۸۴۷ و اوایل ۱۸۴۸ کتاب مشهور خود "مانیفست کمونیست" را با همکاری دوست و همرزم وفادار خود فریدریش انگلس در همین شهر می نویسد که در اوایل فوریه در لندن به چاپ می رسد. در انقلابات بورژوائی ۱۸۴۸-۱۸۴۹ اروپا، مارکس فعالانه شرکت می کند و بخش مهمی از ۶۰۰۰ لیره ی از ارث پدری خود را که به تازگی دریافت کرده بود به مجامع کارگری آلمانی و بلژیکی برای مبارزه علیه استبداد کمک مالی می نماید. بدین دلیل پلیس بلژیک در سوم مارس ۱۸۴۸ به مارکس و خانواده اش ۲۴ ساعت مهلت برای خروج از بلژیک را تعیین می کند. علیرغم این پلیس نیمه شب به محل اقامت مارکس یورش برده و او را دستگیر کرده و به زندان می برد. هنگامی که جنی برای اطلاع از وضع مارکس به اداره ی پلیس مراجعت می کند او را نیز دستگیر می کنند. هر دو نفر را روز بعد آزاد می کنند ولی چون ۲۴ ساعت مهلتشان تمام شده بود نتوانستند وسایل منزل و لوازم شخصی خود را با خود بردارند. مارکس و جنی به دعوت یکی از اعضای دولت جمهوری موقت فرانسه راهی پاریس شدند. مارکس در آوریل ۱۸۴۸ به همراه انگلس برای شرکت در انقلاب آلمان عازم کشورش می شود. فعالیتهای انقلابی مارکس باعث ترس و واهمه ی دولت آلمان شده بود. از اینرو در ۱۶ ماه مه ۱۸۴۹ دولت پروس نیز ۲۴ ساعت مهلت برای ترک کشور را در اختیار مارکس قرار می دهد. مارکس مجدداً به پاریس می رود. ولی تبعید فرانسه هم زیاد طول نمی کشد. ترس حکومت بر آمده از انقلاب در فرانسه از طبقه ی کارگر و دسیسه های دولت پروس درد سرهای جدیدی برای مارکس فراهم نمود. زیرا در ۲۳ اگوست ۱۸۴۹

مقامات فرانسوی به مارکس اعلام نمودند که خود و همسرش باید در عرض ۲۴ ساعت فرانسه را ترک کنند . مارکس ۲۴ اوت ۱۸۴۹ فرانسه را ترک کرد و در روز ۲۶ اوت وارد لندن شد و تا آخر عمر در این شهر روزگار گذراند و در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ در سن ۶۴ سالگی بدرود حیات گفت .
نمای بیرونی از خانه ی مارکس در شهر تریر





چراغهای راهنمای در سطح شهر تریر





صف مردم مشتاق برای شرکت در مراسم رونمایی از مجسمه ی

مارکس



افشانی. نقده

